

## کیمیا

هر شخص و جامعه‌ای در اندیشه پیروزی استند. در حقیقت دستیابی به موفقیت‌ها و امید به پیروزی‌ها، موتور محرک حرکت‌هااست و ششادایی و شورور زندگی از این امید بر می‌خیزد. شکست‌ها و ناکامی‌ها تلخ است و کسی بسادگی حاضر نیست تن به شکست دهد. زیرا شکست‌ها و ناکامی به معنای از دست رفتن هدف و یا تأخیر زمانی رسیدن به آن است. تنها زمانی شکست‌ها به یک امر مثبت تبدیل می‌شود که از آن، درس و پند گرفت و با شناسایی علل و عوامل ناکامی، به تصحیح و اصلاح روش‌ها و یا امور دخیل دیگر اقدام کرد. دستیابی نمی‌تواند شکست را به عنوان امر مثبت و سازنده معرفی کند مگر آنکه به درس‌آموزی از شکست مواجه شود و به تحلیل علل و عوامل شکست و ناکامی نپردازد، می‌توان گفت که در مسیر سقوط قرار گرفته‌است؛ زیرا شکست در هر حال به معنای از میان رفتن فرصت‌ها و ظرفیت‌های بسیاری است که گاه هرگز تکرار نمی‌شود. پس نمی‌توان خود را با این مطلب گول زد که شکست مقدمه پیروزی است؛ زیرا شکست تفاوت‌های ماهوی و معنایی بسیار دارند و در برخی از حالات اصولا هرگز پیروزی تحقق نخواهد یافت و فرصتی برای جبران نیست. این گونه است که قرآن، به مسائل به شکلی توجه می‌دهد تا انسان‌ها قدر فرصت‌ها و ظرفیت‌ها را بدانند و بسادگی تن به شکست ندهند.

یکی از شکست‌های مهم برای جامعه، چیرگی دشمن است؛ زیرا با چیرگی دشمن بسیاری از فرصت‌ها و ظرفیت‌های جامعه از میان می رود و حتی می‌توان گفت نسل یا نسل‌هایی، از دستیابی به موفقیت‌ها و کمالات بسیار باز می‌مانند. نویسنده در این مطلب به بررسی آیات قرآن درباره مسئله نقش شکست‌ها در زندگی انسان پرداخته و بر آن است تا ضمن بیان نقش آن در زندگی، عوامل چیرگی دشمن را توضیح دهد.

**امید به پیروزی، عامل حرکت**

انسان‌ها موجوداتی هستند که با امید، زندهند و همه حرکت‌ها و نشاطشان از آن سرچشمه می‌گیرد. اگر کسی امیدی به زندگی و بقای آن در لحظات دیگر نداشته باشد، هرگز

وسيله‌ای برای تحقق به اهداف میانی به کار می‌رود و پس از دستیابی به اهداف میانی، اهداف میانی نیز به عنوان عامل مقتضی و ابزاری عمل می‌کند تا اهداف غایی نهایی تحقق یابد. هر کسی می‌کوشد تا به اهداف غایی خویش دست یابد و آرزوهای را که به عنوان اهداف غایی تعریف کرده به دست آورد. رسیدن به هر یک از این اهداف و آرزوها، به معنای رسیدن به موفقیت و پیروزی است. بنابراین می‌توان گفت که امید به پیروزی و موفقیت و دستیابی به اهداف است که به عنوان عامل حرکت‌ها و فعالیت‌های انسانی، خود را در زندگی بشر نشان می‌دهد. لذا هر شکستی به معنای از دست رفتن هدف و یا دور شدن از آن است.

در این میان برخی از شکست‌ها، در زندگی انسان سخت‌تر است، زیرا شرایط جبران آن نیز بسیار دشوار تر می باشد و ممکن است آدمی هرگز به موفقیت و پیروزی و در انتظار آن بوده دست نیابد و یا به آن شکل برای او تحقق پیدا نکند. در برخی از شکست‌ها، نه تنها آدمی توان و ظرفیت و فرصت خویش را از دست می‌دهد بلکه شکست ممکن است عامل چیرگی دشمنی شود که خود به عنوان یک مانع جدی در برابر پیروزی‌ها و موفقیت‌ها آینده او عمل می‌کند. از این رو نمی‌توان از مسئله‌های بسادگی گذشت و آن را مسئله‌ای ساده ارزیابی و تحلیل کرد.

بر این اساس برای دستیابی به موفقیت و پیروزی باید همه علل و عوامل شناسایی و راه‌های چیرگی دشمن را بست تا امکان آن را نپاید که بر شخص یا جامعه چیره شود و او را در موفقیت‌ها و پیروزی‌های آینده باز دارد.

یکی از شکست‌های مهم برای جامعه، چیرگی دشمن است؛ زیرا با چیرگی دشمن بسیاری از فرصت‌ها و ظرفیت‌های جامعه از میان می رود و حتی می‌توان گفت نسل یا نسل‌هایی، از دستیابی به موفقیت‌ها و کمالات بسیار باز می‌مانند. نویسنده در این مطلب به بررسی آیات قرآن درباره مسئله نقش شکست‌ها در زندگی انسان پرداخته و بر آن است تا ضمن بیان نقش آن در زندگی، عوامل چیرگی دشمن را توضیح دهد.

**لِزوم شناسایی علل و عوامل شکست**
چنانکه گفته شد برخی از شکست‌ها منابع جدی در برابر انسان و جامعه است، زیرا به سبب این شکست‌ها، عوامل بازدارنده و موانعی در برابر جامعه و شخص پدید می آید که اجازه موفقیت و پیروزی را به آنها نمی‌دهد و آنان را از دستیابی به بسیاری از موفقیت‌ها و مقامات و ترقیات باز می‌دارد.

**اینکه گفته‌اند ترس برادر مرگ است، به این معناست که هر جا ترس وارد شد در همان جا مرگ نیز حضور خود را رسماً اعلام می‌کند. ملت‌ها و جوامعی که در برابر دشمن دچار ترس و هراس شوند، به‌سادگی قدرت تصمیم‌گیری و مدیریت عمل را از دست می‌دهند و رفتارها و رفتارشان از حالت تعادل و عادی خارج شده و به سوی رفتارهای نادرست و نابخردانه سوق می‌یابد. این گونه است که دشمن با بهره‌گیری از حالت ترس و خوف بپوش آورده و به‌سادگی صفوف را در هم می‌شکند و چیره می‌شود.**

از جمله این شکست‌ها می‌توان به شکست در برابر دشمنان اشاره کرد که موجب غلبه و چیرگی دشمنان می‌شود.
خداوند دربارهٔ علل و عوامل شکست‌ها مسائل چندی را مطرح کرده است که در اینجا به برخی از آنها می‌پردازیم.
**۱. اختلاف:**
مؤمنان آنچه موجب پیروزی و موفقیت هر شخص و جامعه‌ای است، اتحاد، انسجام و وحدت همه بخش‌هاست، زیرا در این

### عبادت عامیانه و عبادت عارفانه

تلقی افراد از عبادت یکسان نیست ، متفاوت است. از نظر برخی افراد عبادت نوعی معامله و معارفه و مبادله کار و مزد است . کار فروشی و مزدبگیری است . همان طور که یک کارگر، روزانه نیروی کار خود را برای یک کارفرما مصرف می‌کند و مزد می‌گیرد ، باید نیز برای خدا زحمت می‌کند و خم و راست می‌شود و طبعاً مزدی طلب می‌کند که البته آن مزد در جهان دیگر به او داده خواهد شد . ... از نظر این گونه افراد پرورد عبادت همین اعمال بدنی و حرکات محسوس ظاهری است که به وسیله زبان و سایر اعضای بدن صورت می‌گیرد. این یک نوع تلقی است از عبادت که البته عامیانه و جاهلانه است و به تعبیر بوعلی درنمط نهم اشعار، دانشگر از عبادت آن تنها از مردم عامی و قاصر پذیرفته است.
تلقی دیگران از عبادت تلقی عارفانه است. ... برحسب این تلقی، عبادت نردبان قرب است، معراج انسان است، تعالی روانی است ، پرواز روح است به سوی کانون نامرئی هستی، پرورش استعدادها و روحی و ورزش نیروهای ملکوتی انسانی است. پیروزی روح بر بدن است، عالی‌ترین عکس اعمال سازگارانه انسان است از پدید آورنده خلقت، اظهار شیطنتگی و عشق انسان است به کامل مطلق و جمیل علی الاطلاق و بالاخره سلوک و سیر الی الله است .
برحسب این تلقی ، عبادت پیکری دارد و روحی، ظاهری دارد و معنی ای، آنچه به وسیله زبان و سایر اعضای بدن انجام می‌شود، پیکره و قالب و ظاهر عبادت است، روح و معنی عبادت چیز دیگر است. روح عبادت وابستگی کامل دارد به مفهومی که عابد از عبادت دارد و به نوع تلقی او از عبادت و به انگیزه‌ای که او را به عبادت برانگیخته است و به بهره و حظی که از عبادت عملاً می‌برد و اینکه عبادت تا چه اندازه سلوک الی الله و کام برداشتن در بساط قرب باشد.

✽ استاد مطهری، مجموعه آثار ، ۱۶ج ، ص ۴۱۴

### عدالت بهتر است یا جود و بخشندگی؟

فرد باهوش و نکته‌سنجی از امیرالمؤمنین علی(ع) سؤال می‌کند:العدل افضل‌الم‌الجود؟ آیا عدالت شریف‌تر و باکسندگی‌هاست؟
مردم سؤال دو خصیصه انسانی است، بشر همواره از ستم، همواره است و همواره احسان و نیکی دیگری را که بدون چشم‌داشتن پاداش انجام می‌دهد، مورد تحسین و ستایش قرار داده است. پاسخ پرورش بالا خیلی آسان به نظر می‌رسد. جود و بخشندگی از عدالت بالاتر است، زیرا عدالت رعایت حقوق دیگران و تجاوز نکردن به حدود و حقوق آنهاست. اما جود این است که آدمی با دست خود حقوق مسلم خود را نثار غیر می‌کند.

آن که عدالت می‌کند به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند و یا حافظ حقوق دیگران است، از تجاوز و متجاوزان؛ اما آن که جود می‌کند، فداکاری می‌نماید و حق مسلم خود را به دیگری تقویض می‌کند، پس جود بالاتر است. واقعا هم اگر تنها با معیارهای اخلاقی و فردی بسنجیم مطلب از این قراراست، یعنی جود بیش از عدالت معرف و نشانه کمال نفس و رفاه روح انسان است اما...

علی(ع) برعکس نظر بالا جواب می‌دهد، علی(ع) به دو دلیل می‌گوید عدل از جود بالاتر است. یکی اینکه: «العدل یضع الامور مواضعها و الوجود یرجها من جهةها» یعنی عدل جریان‌ها را به مجرای طبیعی خود قرار می‌دهد. اما جود جریان‌ها را از مجرای طبیعی خود خارج می‌سازد...»

دیگر اینکه: «العدل سانس عام و الوجود عارض خاص»؛ عدالت قانونی است عام و مدیر و مدبری است کلی و شامل، که همه اجتماع را در برمی‌گیرد... اما جود و بخشش یک حالت استثنایی و غیر کلی است که نمی‌شود رویش حساب کرد...»

علی(ع) آنکه نتیجه گرفت: «فالعدل اشرفها و افضلها»؛ پس از بیان عدالت و وجود آن، که اشرف و افضل است، عدالت است. (نهج‌البلاغه – حکمت ۴۲۷)

✽ استاد مطهری، سیری در نهج‌البلاغه، صص ۱۱۱ و ۱۱۱

### معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

بارها در دریا دیده شده است که شخص با آرامش در حال شناست و هیچ مشکلی ندارد، ولی همین که به هر علتی ترس در دلش پدید آید، دست و پای خود را گم می‌کند و غضله‌ها و ماهیچه‌ها به شدت منقبض شده و از حرکت می‌افتد و قفل می‌کند، در نتیجه ترس موجب مرگ شناگر می‌شود.

### بارها در دریا دیده شده است که شخص با آرامش در حال شناست و هیچ مشکلی ندارد، ولی همین که به هر علتی ترس در دلش پدید آید، دست و پای خود را گم می‌کند و غضله‌ها و ماهیچه‌ها به شدت منقبض شده و از حرکت می‌افتد و قفل می‌کند، در نتیجه ترس موجب مرگ شناگر می‌شود.



## عوامل چیرگی دشمن از منظر قرآن

منصور حسینی

صورت است که تمامی ظرفیت‌ها برای دستیابی به هدف به کار گرفته می‌شود.
در هر انسانی اگر انسجامی میان روح و جسم وجود نداشته باشد و ذهن و روح شخص به چیز دیگری مشغول باشد، امید رسیدن به موفقیت بسیار کاهش می‌یابد. در جامعه نیز این گونه است، زیرا هماهنگی و همراهی همه بخش‌های اجتماع است که ظرفیت بالایی را تولید می‌کند و به جامعه امکان این را می‌دهد تا بتواند به پیروزی برسد و در برابر دشمن ایستادگی کند.
خداوند هر گونه اختلاف و عدم هماهنگی و انسجام میان بخش‌های مختلف جامعه را عاملی مهم در شکست‌ها معرفی می‌کند و در آیه ۱۵۲ سوره آل عمران و آیات ۴۵ و ۴۶ سوره انفال تبیین می‌کند که چگونه اختلاف و نزاع موجب می‌شود تا توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها به جای جهت‌گیری به سوی هدف واحد و یگانه، اصلا در مناطق مختلف به کارگرفته شود و یا حتی در مقابل هم قرار گرفته و موجب تضعیف و سستی شود؛ زیرا جامعه‌ای که طبقات و قشرهای آن بنا هم اختلاف دارند به جای آن که همه توان و ظرفیت درونی خویش را برای تحقق اهداف جامعه به کار گیرند، صرف بفق طرفی مقابل کرده و در اندیشه پیروزی بر بخش دیگر اجتماع می‌شود.
این گونه است که جامعه به جای آنکه به هدف خود دست یابد، هزینه‌ها بسیار را صرف می‌کند و نه تنها چیزی را به دست

منقبض شده و از حرکت می‌افتد و قفل می‌کند. در نتیجه ترس موجب مرگ شناگر می‌شود.

اینکه گفته‌اند ترس برادر مرگ است، به این معناست که هر جا ترس وارد شد در همان جا مرگ نیز حضور خود را رسماً اعلام می‌کند. ملت‌ها و جوامعی که در برابر دشمن دچار ترس و هراس شوند، بسادگی قدرت تصمیم‌گیری و مدیریت عمل را از دست می‌دهند و رفتارهایشان از حالت تعادل و عادی خارج شود و به سوی رفتارهای نادرست و نابخردانه سوق می‌یابد. این گونه است که دشمن با بهره‌گیری از حالت ترس و خوف بپوش آورده و به‌سادگی صفوف را در هم می‌شکند و چیره می‌شود.

اصولا جنگ روانی بر پایه ایجاد ترس بنیاد گذاشته شده است. این گونه است که در جنگ روانی، دشمن را با کمترین هزینه و امکانات از پا می‌آورد و آسیب‌ها و تلفات سنگینی را بر طسرف مقابل تحمیل می‌کنند.
خداوند در آیات ۱۵۲ و ۱۵۳ سوره آل عمران به این علت مهم شکست‌ها و معنای آن توجه می‌دهد تا در دام جنگ روانی نیفتند و بسادگی از طریق جنگ نرم شکسته نشوند و شکست نخورند. قرآن در آیاتی چون ۸ و سوره انفال و ۱۰ و سوره احزاب ترس را عامل اضطراب شدید در انسان می‌داند که اجازه نمی‌دهد به درستی تصمیم گرفته و حرکتی استوار و محکم نشان دهد. این گونه است که حتی برخی از افراد به سبب ترس، از ورود به معرکه کارزار خودداری می‌کنند و پشت جبهه را نیز خالی می‌گذارند (بقره آیه ۲۴۹ و نساء آیه ۷۷ و احزاب آیات

# عوامل چیرگی دشمن از منظر قرآن

نمی‌آورد بلکه امکانات بسیاری را بی جهت هزینه می‌کند.
**۲. غرور:**
از علل و عوامل شکست غرور و اعتماد به نفس بیش از اندازه افراد جامعه است.
خداوند در آیه ۲۵ سوره توبه با اشاره به غرور مجاهدان به نیروی رزمی و توانایی‌های مادی و لجستیکی خود تبیین می‌کند که چگونه غرور و اعتماد به نفس مغرط موجب می‌شود تا از خدا و امدادهای غیبی‌اش غافل شوند و در دام مکر و حيله دشمن افتند. بسیاری از جوامع در آزمون‌های الهی شکست می‌خورند، زیرا فریب عده و غده خود را می‌خورند و از اینکه از حیث نفرات و تجهیزات برتر می‌باشند، رفتارهایی را در پیش می‌گیرند که موجبات ضربه و شکست آنان را فراهم می‌آورد؛ چون در این زمان از حالت هوشیاری بیرون می‌روند و به جای آنکه مواظبت و محافظت را افزایش دهند به سبب افزایش نفرات و تجهیزات پیشرفته و اعتماد به آن، به غفلت دچار می‌شوند و ضربه می‌خورند.

**۳. ترس و واهمه:**
از مهم‌ترین علت‌های شکست ترس است؛ زیرا ترس واکنشی است که قدرت و توان شناخت و مدیریت انسان را از وی می‌گیرد و کارها را قفل می‌کند. بارها در دریا دیده شده است که شخص با آرامش در حال شناست و هیچ مشکلی ندارد، ولی همین که به هر علتی ترس در دلش پدید آید، دست و پای خود را گم می‌کند و غضله‌ها و ماهیچه‌ها بشدت

**۵. نافرمانی:**
خداوند در آیات ۱۵۲ و ۱۵۳ سوره آل عمران، در مقام تحلیل علل شکست‌ها و چیرگی دشمن بر جامعه‌ها، به مسئله عصیان و نافرمانی نیروهای خودی اشاره می‌کند. بی‌گمان هر گونه نافرمانی کلی و یا جزئی می‌تواند خللی مهم در میدان جنگ ایجاد کند و دشمن با رخنه از آن موضع و موقعیت‌افزون بر شکست جناحی موجب شود تا روحیه دیگر بخش‌ها و جناح‌ها نیز تضعیف شود. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که چگونه نافرمانی‌های کوچک شکست‌های بزرگی را بر جامعه تحمیل کرده و حتی موجبات نابودی امت و ملتی را فراهم آوردند. در جنگ احد تنها به سبب نافرمانی دسته ای کوچک از نگهبانان دره بود که دشمن از پشت سر به نیروهای خودی حمله کرد و شکست سنگینی را بر دولت اسلامی مدینه وارد ساخت.

**۶. دنیاطلبی:**
هر چند که آیه ۱۵۲ سوره آل‌عمران دنیا گرایی و جمع‌آوری غنایم را توصیه‌ساز شکست در جهاد احد معرفی کرده است، ولی این عامل خود یکی از علل اصلی شکست‌ها به شمار می‌رود. برای کسانی که دنیا و مواهب آن اصالت می‌یابد، به طور طبیعی نسبت به مرگ، ترس و دلاشت و چیرگی دشمن از جهاد حتی در میدان جنگ نیز علاقه‌نشان می‌دهند و حاضرند برای به دست آوری آن حتی از محل استقرار جنگی خویش بیرون آیند و خود و دیگران را در خطر اندازند. بنابراین می‌توان گفت که دنیاطلبی که به سبب پیشش و نگرش نادرست و باطلی شکل گرفته خود یکی از مهم‌ترین علل نافرمانی‌ها و ترس‌ها و مانند آن است که به عنوان عامل شکست‌ها معرفی شده است.

از نظر قرآن اصولا کسانی که آخرت‌طلب هستند (نساء آیه ۷۷) و ایمان واقعی دارند (آل عمران آیات ۱۷۲ و ۱۷۵ و توبه آیه ۱۲) و قیامت را باور داشته و بهشت را سعادت جاودانه خویش بر می‌شمارند(بقره آیه ۲۴۹) و بر خداوند توکل داشته و از غیر خدا هراس و ترسی ندارند(مائده آیه ۲۳) و عشق و محبت خدا را در دل داشته و از محبت غیر خدا از جمله دنیا(فرغند)(مائده آیه ۵۴) کسانی هستند که هیچ گونه ترسی نسبت به دشمن نداشته‌وبی‌باکانه و شجاعانه به مقابله با آن بر می‌خیزند و تن به شکست نمی‌دهند و چیرگی دشمن را به هیچ وجه نمی‌پذیرند. اینها نمونه‌هایی از علت‌ها و عوامل شکست‌ها و چیرگی دشمنان است که در این آیات قرآن به آنها پرداخته شده است.
خداوند برای دستیابی به پیروزی و موفقیت به جای شکست و چیرگی

### خداوند هر گونه اختلاف و عدم هماهنگی و انسجام میان بخش‌های مختلف جامعه را عاملی مهم در شکست‌ها معرفی می‌کند و در آیه ۱۵۲ سوره آل عمران و آیات ۴۵ و ۴۶ سوره انفال تبیین می‌کند که چگونه اختلاف و نزاع موجب می‌شود تا توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها به جای جهت‌گیری به سوی هدف واحد و یگانه، در مناطق مختلف به کارگرفته شود و یا حتی در مقابل هم قرار گرفته و موجب تضعیف و سستی شود.

دشمن از مؤمنان و امت اسلام می‌خواهد تا قدرت و توان از طریق امید به پیروزی می‌شود. بی‌گمان سستی و ضعف نیز همانند ترس عامل روحی و معنوی است، باید با شناسایی علل و عوامل ایجادیی آن همچون تغییر نگرش‌ها و پیشش‌ها و نیز حذف عوامل تحریک‌کننده چون شیاعت بی اساس و اتهامات و مانند آن، به وجه مقابله جدی با علل و عوامل ضعف و ترس خود را معرکه پرداخت.

دشمن از مؤمنان و امت اسلام می‌خواهد تا قدرت و توان از طریق امید به پیروزی می‌شود. بی‌گمان سستی و ضعف نیز همانند ترس عامل روحی و معنوی است، باید با شناسایی علل و عوامل ایجادیی آن همچون تغییر نگرش‌ها و پیشش‌ها و نیز حذف عوامل تحریک‌کننده چون شیاعت بی اساس و اتهامات و مانند آن، به وجه مقابله جدی با علل و عوامل ضعف و ترس خود را معرکه پرداخت.

دشمن از مؤمنان و امت اسلام می‌خواهد تا قدرت و توان از طریق امید به پیروزی می‌شود. بی‌گمان سستی و ضعف نیز همانند ترس عامل روحی و معنوی است، باید با شناسایی علل و عوامل ایجادیی آن همچون تغییر نگرش‌ها و پیشش‌ها و نیز حذف عوامل تحریک‌کننده چون شیاعت بی اساس و اتهامات و مانند آن، به وجه مقابله جدی با علل و عوامل ضعف و ترس خود را معرکه پرداخت.

دشمن از مؤمنان و امت اسلام می‌خواهد تا قدرت و توان از طریق امید به پیروزی می‌شود. بی‌گمان سستی و ضعف نیز همانند ترس عامل روحی و معنوی است، باید با شناسایی علل و عوامل ایجادیی آن همچون تغییر نگرش‌ها و پیشش‌ها و نیز حذف عوامل تحریک‌کننده چون شیاعت بی اساس و اتهامات و مانند آن، به وجه مقابله جدی با علل و عوامل ضعف و ترس خود را معرکه پرداخت.

دشمن از مؤمنان و امت اسلام می‌خواهد تا قدرت و توان از طریق امید به پیروزی می‌شود. بی‌گمان سستی و ضعف نیز همانند ترس عامل روحی و معنوی است، باید با شناسایی علل و عوامل ایجادیی آن همچون تغییر نگرش‌ها و پیشش‌ها و نیز حذف عوامل تحریک‌کننده چون شیاعت بی اساس و اتهامات و مانند آن، به وجه مقابله جدی با علل و عوامل ضعف و ترس خود را معرکه پرداخت.

آنچه نادرست و ناروا است، جزع و فرغ نزد خلق و شکایت خالق به خلق بردن است. به هر حال، به نظر می‌رسد که تعاریفی که از صبر و سه‌گانه‌های آن شده، نمی‌تواند در اولیای معصوم(ع) تحقق یابد؛ زیرا آنان در مقام رضا به قضای الهی و تسلیم محض هستند.
نهاییق و آثار صبر
نگاه آموزه‌های وحیانی کتاب‌الله و عبرت(ع) صبر یکی از مهم‌ترین کلبدهای تزکیه نفس است؛ زیرا کسی که در امور سه‌گانه طاعت و معصیت و صصبت صبر کند و ترک لذات نفسانی کند، کم‌کم نفس عادت به پذیرش قضا و قدر الهی کرده و از چومشی و سرکشی برون آید و رام‌شود و ملکه باکس صورت‌نوری ملکه بکل ایجاد شود و بسنر رشد و ترقی نفس به مقامات عالی‌تر فراهم آید. صبر در معاصی منشا تقوای نفس و صبر در طاعت خاستگاه انس با حق و صبر در مصیبت خاستگاه رضا به قضای الهی است. بنابراین، صبر یکی از مهم‌ترین تجلیات ایمان شخص است؛ از همین رو در روایات، صبر نسبت به ایمان یا منزله سر به تن معرفی شده است، تا جایی که اگر سر برود تن نیز برود پس اگر صبر برود ایمان نیز برود(کافی، ج ۳، کتاب الایمان و الکفر، باب صبر، حدیث ۲)؛ بنابراین، کسی که صبر ندارد ایمان

صفحه ۶

پنجشنبه ۵ مهر ۱۴۰۳

۲۲ ربیع الاول ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۶۷۹

## چراغ راه

**می‌زان تاثیر گذاری رفتار حاکمان بر مردم**
**قال الامام علی(ع):** «قلوب الرعیه خزائن راعیها، فما اودعها من عدل او جور وجده».

امام علی(ع) فرمود: دل‌های مردم مخزن رفتار حاکمان است، پس آنچه از عدالت و یا ظلم در آنها بگذارد، همان را خواهد دید.<sup>(۱)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۴، ص ۵۲۱، ح ۶۸۲۵

## حکایت خوبان

**ویژگی‌های برادران شایسته**
در سخنان معصومین(ع) خصوصیات برای برادران شایسته تبیین شده که اهم آنها عبارتند از:
۱- ظاهر و باطنش یک باشد
۲- بدی و خوبی تو را از آن خود بداند
۳- از هیچ کمکی کوتاهی نکند
۴- سستی‌ها تنهایت نگذارد
۵- اگر سه‌بار عصبانی شد، سخن زشت نگوید
۶- همچین باوفا، باتدبیر، باحیا، خوش‌خلق و آزاده باشد.<sup>(۱)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۱۷۲ و ۱۱۷۵

## پرستش و پاسخ

**ابعاد عدل و قسط (۱)**
پرستش:
قسط و عدل چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند و ابعاد هر یک را در زندگی به طور شفاف براساس آموزه‌های وحیانی توضیح دهید؟
پاسخ:

**جایگاه عدل و قسط در قرآن**
عدل و قسط که در برابر ظلم و جور به کار می‌روند، از مسائلی مهم حیاتی است که قرآن کریم روی آنها زیاد تأکید کرده است. تا آنجا که واژه عدل با تمام مشتقات خود در قرآن ۲۷ بار، واژه قسط به صورت‌های گوناگون ۳۳ بار وارد شده است، و در نتیجه در هر موردی که محور سخن، عدل و قسط جامعه انسانی باشد به لزوم رعایت عدل و گسترش قسط فرمان می‌دهد، و از هر نوع انحراف از مسیر عدالت باز می‌دارد.

عدل و قسط که در برابر ظلم و جور به کار می‌روند، از مسائلی مهم حیاتی است که قرآن کریم روی آنها زیاد تأکید کرده است. تا آنجا که واژه عدل با تمام مشتقات خود در قرآن ۲۷ بار، واژه قسط به صورت‌های گوناگون ۳۳ بار وارد شده است، و در نتیجه در هر موردی که محور سخن، عدل و قسط جامعه انسانی باشد به لزوم رعایت عدل و گسترش قسط فرمان می‌دهد، و از هر نوع انحراف از مسیر عدالت باز می‌دارد.

در قرآن کریم قسط به دو صورت وارد شده است. گاهی همراه با لفظ عدالت و گاهی به صورت تنها از مواردی که همراه با عدل وارد شده است.این آله شریفه است که می‌فرماید: «فصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا، ان الله یحب المقسطین» میان دو گروه متخاصم براساس عدالت صلح و سازش برقرار کنیدو قسط را پیشه خود سزایید، خدا گروه قسط پیشه را دوست می‌دارد. (حجرات- ۹)
مچنین پیامبر گرامی(ص) درباره آخرین پیشوای شیعه حضرت مهدی(عج) می‌فرماید: «فیملأ الارض قسطا وعدلا كما ملأ ظلما وجورا» امام مهدی(ع) زمین را که پر از ظلم و جور است، پر از قسط و عدل خواهد کرد. (منتخب الاثر، آیه الله صافی(ره)، ص ۱۱۷)
گاهی تصور می‌شود که قسط و عدل دو لفظ مترادف و برای تفهیم معنای واحدی وارد شده‌اند، همان گونه که ظلم و جور نیز معنای واحدی دارند و برای تأکید آورده شده‌اند. ولی با توجه به آیات قرآن و احادیث اسلامی و سخنان اصحاب زبان و ادبیات عرب می‌توان گفت: هر موقع لفظ قسط در کنار لفظ عدل وارد شود، مقصود از آن قسط اقتصادی است، به اصطلاح عدالت در حقوق و اموال است و اگر نگوئیم که این مطلب به صورت قانون کلی است، می‌توان گفت که غالباً چنین است. ابن منظور می‌گوید: پیامبر گرامی(ص) می‌فرماید: «ناحکموا عدلوا و اذا اقسما اقسطوا» هر موقع داوری کنند عدالت می‌ورزند و هر موقع قسمت کنند،نصیب هر فردی را طبق عدالت است که ابو هلال عسکری در کتاب «الفروق» می‌گوید: قسط، حصه و نصیبی است که در تقسیم آن عدالت رعایت شده باشد. (الفروق، ذیل ماده قسط) خلاصه لفظ قسط بسانان ماده تقسیط به معنی تسهیم یعنی بهام و نصیب بندی است.مشروط به اینکه در تعیین حصه، عدالت رعایت شود. بنابراین هر موقع این دو لفظ کنار هم وارد شوند،مقصود از قسط دانما یا غالباً همان عدل اقتصادی یعنی عدل در اموال و حقوق خواهد بود. اما در مورد حالت دوم یعنی به‌کارگیری لفظ قسط تنها برخی مدعی هستند که قسط در قرآن و اسلام در تمام حالات به معنی قسط اقتصادی است، و تمام پیامبران برای ایجاد چنین هدفی برگزیده شده‌اند.

مثلاً در آیات مربوط به ادای حق و وزن، کلمه قسط به کار رفته نه کلمه عدل «و اوفوا الکلل و المیزان بالقسط» پیمانه و وزن را با رعایت عدالت بپردازید(انعام- ۱۱۵)
حضرت قسبط وقتی قوم خود را به رعایت اقتصادی دعوت می‌کند، لفظ قسط را به کار می‌برد و حق می‌فرماید: و یا قوم! اوفوا الکلل و المیزان بالقسط» ای قوم من! حق پیمانه و وزن را با عدالت ادا نمایند.(هود-۸۵)
قرآن در دستوره‌های کلی خود راجع به اقامه عدل در داد و ستد، کلمه قسط را به کار می‌برد و می‌فرماید: «و اقسما الوزن بالقسط و لاتخسروا المیزان» حق وزن را با عدالت ادا کنید و کم مفروشید. (الحجمن- ۹) بنابراین لفظ قسط مجرد از لفظ عدل در آیات دیگر نیز در عدل اقتصادی به کار رفته است،و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بحث این است که قسط در قرآن همان عدالت اقتصادی است، خواه با لفظ عدل همراه باشد یا نباشد. امام علی(ع) هم لفظ قسط را در نصیب و حقوق به مقرون به عدالت به کار برده است، آن هم گاهی با لفظ عدالت و گاهی مجرد از آن مانند: «وقام بالقسط فی خلقه و عدل علیهم فی حکمه» او درباره مخلوق‌های خود به قسط قیام کردو در داوری عدل را پایه آن قرار داد.(نهج‌البلاغه- خطبه ۱۸۳)
اگر مقصود از «فی خلقه» در سخن امام، انسان‌ها باشند، مقصود از قسط در خلق همان امر به عدالت اقتصادی در جامعه خواهد بودو گاهی امام تنها لفظ قسط را به کار می‌برد و از آن سهم و نصیب عادلانه را اراده می‌کند.

(ادامه داد)

## سلوک عارفانه

**مفهوم عدل الهی**
عدالت در مفهوم وسیع‌ش عبارت است از دادن صاحبان استحقاق بدون هیچ تبعیضی میان آنها. اگر حق هیچ صاحب حقی ادا نشود بر خلاف عدالت است. همچنان‌که اگر تبعیض شده و حق بعضی داده شود و حق بعضی دیگر داده نشود باز برخلاف عدالت است. بنابراین عدل الهی به این معنا است که موجودات جبران هر کدام در جهانی از هستی و در درجه‌ای از قابلیت فیض جبران از خداوندند. از طرف خداوند نسبت به هیچ موجودی ت آن اندازه

و کم امکان و قابلیت دارد، از فیض دریغ نمی‌شود.<sup>(۱)</sup>

۱- رستاخیز، شهید مرتضی مطهری(ره)، بنش، مطهر، ج ۴، ص ۴۲